

صفحه عنوان

عنوان مقاله:

افسانه های عامیانه ایران و هویت ملی و دینی ایرانیان

نام و نام خانوادگی نویسنده:

زهره دهقان دهنوی

مدرک تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات پارسی

نام موسسه پژوهشی محل اشتغال:

پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد

چکیده:

افسانه از زمان های بسیار دور به شکل هنری مردمی، ساخته و پرداخته شده است و خود را با سلايق و علايق، ويژگي ها، باورها و آداب و رسوم ملت ها تطبيق داده و پابه پای زمان پيش رفته است. افسانه ها گاه بيانگر حقايق بيروني و بازتاب دهنده ي خصوصيات اجتماعي دوران خویش اند و گاه بيانگر درخواست های دروني و بازگو کننده ي اميال و آرزوهای تحقق نیافته ي بشر.

ایران با تمدنی درخشان و تاریخی ژرف در پشت سر، افسانه ها و قصه های بسیار زیادی با خود همراه دارد که آيينه ي داشته ها و خواسته های ملت این سرزمين است. سرزميني که ويژگي های ملي و ديني آن از سال ها پيش تا کنون، در هم آميخته و يکي شده اند؛ گاه آداب و رسوم ملي در مذهب تأثير گذاشته است و گاه مذهب تغيير و تحولاتي در فرهنگ باستانی ایران ايجاد کرده است.

در طول زمان و با ادامه یافتن این کاستن و افزودن ها، فرهنگ و هویت فرهنگی یکدستی پدید آمده است که آن را فرهنگ ایرانی-اسلامی می دانیم. مادر مقاله ی حاضر این فرهنگ را در بین افسانه های عامیانه ی ایران جست و جو می کنیم.

افسانه های عامیانه ی ایران انواع مختلفی دارد که در این مقاله بیشتر به افسانه های دارای مضامین جن و پری و سحر و جادو توجه شده است.

این افسانه ها دارای محتوایی ایرانی-اسلامی است که در آن شاخص های زیاد ملی و دینی یافت می شود. ما برای به دست آوردن نمونه، به موارد زیر اشاره کرده ایم؛

نقش خداوند؛ عالم غیب و نیروهای ماورایی؛ دعا و نذر؛ اعتقاد به تقدیر و پذیرفتن آن؛ اعتقاد به پیروزی نیکی بر بدی؛ ستایش سخت کوشی؛ صبر و مقام زن.

مقدمه:

افسانه در لغت همان داستان، سرگذشت و یا قصه است ۱ که انواع مختلفی دارد. گاه اشعاری کودکانه و برای سرگرمی کودکان است و گاه داستانی است از زبان حیوانات. برخی از افسانه‌ها داستان‌های منظوم و منثور ادبی اند و برخی حکایات و شرح حال‌هایی خارق‌العاده که پیرامون انسان‌هایی غیر معمولی وقوع یافته‌اند؛ برخی نیز قصه‌هایی عامیانه‌اند که مضامین اساطیری یا ماجراهای خیالی پریان و ... را در بر دارند.

البته افسانه‌ها را نمی‌توان سند بی‌چون و چرای ثبت خصوصیات روایت‌کنندگان آن‌ها دانست. افسانه‌های عامیانه لزوماً خصوصیات عوام و اقوام را منعکس نمی‌کنند. گاه برعکس، به شرح خواسته‌ها و رویاهای آن‌ها می‌پردازند که در عالم خارج هرگز وجود نداشته است؛ گاه شخصی بی‌چیز قصه‌ای در شرح پیروزی‌ها و ثروتمند شدن یک قهرمان فقیر می‌پردازد و گاه فرد ترسو داستان قهرمانی‌ها و دلآوری‌های شجاعان را می‌آفریند.

اما آن‌چه مسلم است این است که قصه‌ها بازتاب اندیشه‌ها، رویاها و ایده‌آل‌های ذهنی روایتگران خود هستند و بخش بزرگی از زندگی‌های قومی و نژادی و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دوران خود را شرح می‌دهند. بنا براین افسانه را جدا از ویژگی‌های مردمان زمان خود نمی‌توان دانست. بلکه عموماً بیانگر وقایع و رخداد‌های واقعی زندگی‌های قوم روایتگر آن‌ها و یا آرزوها و ایده‌آل‌های ذهنی آنان است.

از این جهت می‌توانیم در فراسوی افسانه‌ها تصویری از تفکرات، آداب و رسوم، باورها، رفتارها، و گفتارهای مردمان صاحب آن افسانه را کشف کنیم. ویژگی‌های مشابه افراد یک ملت در علایق، سلايق، آداب و رسوم، اخلاق و بسیاری خصوصیات و تفکرات مشترک دیگر آن‌ها است که «ما»ی ملی را تشکیل می‌دهد و به واسطه‌ی همین نقاط اشتراک است که روایتی را همگی می‌پسندند و در هر دوره در لهجه‌ها و روایت‌های مختلف بازگو می‌کنند.

افسانه‌هایی که در ملتی واحد، با حفظ بسیاری از ارزش‌های دینی و فرهنگی و نیز طرز بیان و گویش خاص آنان سال‌های سال روایت می‌شوند و هرچه از مرکز دایره این «ما» ی مشترک فراتر تر رویم ویژگی‌های عام‌تر و در نتیجه «ما» ی گسترده‌تری را می‌یابیم.

«ما» ی ملت یک افسانه‌ی عامیانه را پذیرفته است و در طی زمان‌های طولانی، آن را در بین طبقات، اقوام و اقشار مختلف خود حفظ کرده است. این همان داستانی است که در طی زمان فرسایش یافته است و چیزهایی در آن افزوده و کاسته شده است تا اصل فرهنگی آن با همه‌ی زمان‌های یک ملت هماهنگ و در بین تمام افراد آن محبوب و مورد توجه شمرده شود. چنین افسانه‌ای آیینی‌ی تمام‌نمای ویژگی‌ها، تمایلات، و به عبارت بهتر «هویت ملی» آن ملت می‌تواند باشد.

در زمینه‌ی «هویت دینی» نیز همین اتفاق روی داده است؛ بی‌شک مردمان هرگز ماجرابی را که با باورها و اعتقادات مذهبی‌شان هم‌خوانی ندارد برای فرزندان خود بازگو نمی‌کنند و افسانه‌ها را به گونه‌ای روایت می‌کنند که نه تنها ناقض اوامر دینی نباشد، بلکه حامی و حافظ این اعتقادات باشد.

در این افسانه‌ها، بدون این که لزوماً تعمدی از سوی روایتگران در کار باشد، بخش‌هایی از آداب و رسوم دینی، باورهای مذهبی، نقش معنویت و مظاهر آن، حضور خداوند و بزرگان دینی را باز می‌نمایاند و این ویژگی افسانه‌ها را سندی برای کشف هویت دینی ملت روایتگرشان قرار می‌دهد.

افسانه های عامیانه ایرانی و هویت ملی و دینی ایرانیان

ایران به عنوان سرزمینی به ژرفای تاریخ، کشوری است که به اندازه ی طول زندگی بشر از دوران نخستین تمدن ها تا امروز، حرف برای گفتن و داستان برای روایت کردن دارد. ویژگی های بارز تاریخی و فرهنگی ایرانیان، به این روایت ها رنگ و بوی دیگری داده است. بی شک، از عمیق ترین جلوه های ملی و فرهنگی را در افسانه های ایرانی می توان یافت. و چه گنجینه ی گرانبهایی است این افسانه های عامیانه ی این افسانه های عامیانه ی ایرانی.

در طول دوره های مختلف، تالیفات و پژوهش های ارزشمند و کتاب های بسیاری در این زمینه ارائه شده است که در این مقاله از بین آن ها، بیشتر، از فرهنگ گرانبهایی که با نام «فرهنگ افسانه های ایرانی» به دست علی اشرف درویشیان و رضا خندان جمع آوری شده است، استفاده نموده ایم. این فرهنگ مدون با مقدمه و موخره ای بسیار خواندنی، افسانه های عامیانه ی ایران را از همه ی انواع آن گرد آورده است و بنده نیز در این مقاله، به منظور پرهیز از ارجاع دادن به منابع مختلف، مرجع افسانه ها را این کتاب گزیده ام و هر جا در مقاله از داستانی نام برده ام از این کتاب است که در کمانک به شماره جلد و صفحه آن اشاره کرده ام و مشخصات این کتاب را در بخش منابع آورده ام.

در باره ی ارتباط افسانه های ایرانیان با باورهای دینی شان باید گفت ایرانیان، در طول تاریخ، انسان هایی مذهبی بوده اند. از زمانی که اقوام ایرانی با هم نژادان هندی خود می زیستند و خدایان مشترکی را می پرستیدند، تا دوران بعد که ایران مهد طلوع دین زرتشتی می شود و این دین و ادیان دیگر مانند یهودی و مسیحی و غیره در کشور رواج می یابد و هم چنین در دوران درخشان شکوفایی اسلام در این سرزمین، ایرانیان همواره به خدا توجه داشته اند و در دوران باستان، پادشاهانی را به شاهی می پذیرفتند که تایید شده از سوی خداوند و به اصطلاح دارای فره ایزدی بودند. از روی همین باور است که بعد ها گرد عباسیان که نسبتی با پیامبر و امامان اسلام

داشتند، جمع شدند و امروز نیز، همین دین گرایی منشا ایجاد انقلابی به عظمت تاریخ شد و امروز نیز، حاکم ایران اسلامی جانشین امامی است که از سوی خداوند تعیین شده است.

پس گستردگی دین داری در ایران، نه تنها در دوران اسلامی بلکه در همه ی دوره ها وجود داشته است و می توان پا به پای رشد هویت ملی، رشد هویت دینی ایرانیان را نیز شاهد بود.

افسانه های عامیانه ی ایران گونه های مختلفی دارند؛ برخی شامل داستان های حماسی و پهلوانی اقوام اند، برخی، اساطیر را در بر می گیرند و هم چنین مضامین مختلفی مثل قصه های جن و پری، ماجراهای کودکانه، داستان های حیوانات، اتفاقات تاریخی، روایات مذهبی و ... را می توان در افسانه های عامیانه ی ایران یافت.

در این تحقیق از بین این افسانه ها، افسانه هایی که محتوایی از یک نوع دارند، انجام شود و این دست از افسانه ها نسبت به انواع دیگر، نکات رمز آمیز و قابل کشف بیشتری دارند.

مضمون این گونه افسانه ها معمولاً همان اعتقاد باستانی ایرانیان است مبنی بر بنا شدن جهان بر اساس دو نیروی اهورامزدا و اهریمن (خیر و شر) که همواره در ستیز با یکدیگر به سر می برند و در هر مرحله یکی بر دیگری پیروز می شود تا اینکه سرانجام نیروی اهورایی بر اهریمن چیره می شود و جهان برای همیشه در صلح و آرامش و خوشی باقی می ماند.

در این افسانه ها نیز معمولاً دو شخصیت خیر و شر (مثبت و منفی) که در چهره های : شاهزاده و جادوگر، قهرمان و دیو، فرزند خوانده و نامادری، شخص بی چیز و پادشاه ظالم و... نمایش داده می شود، با یکدیگر در کشمکش و مبارزه اند در هر نوبت یکی بر دیگری پیروز می شود و ماجراهایی بین آن دو پیش می آید تا این که دست آخر قهرمان داستان (خیر)، بر ضد قهرمان (شر)، پیروز می شود و انسان های نیک داستان سال های سال به خوبی و خوشی در کنار یکدیگر زندگی می کنند.

ویژگی های قابل بررسی در این افسانه ها از دیدگاه هویت ملی به شاخه های مختلفی از قبیل آداب و رسوم ملی، پوشاک و آداب لباس پوشیدن، صنایع، مشاغل و هنرها، علوم و پیشرفت

علم، اعتقادات و باورهای اساطیری و قومی، خصوصیات اخلاقی، ویژگی های ظاهری و جایگاه طنز، شوخی، جد و هزل و... تقسیم می شود و از دیدگاه هویت ملی مذهبی در زمینه های مختلف باورهای مذهبی، آداب و رسوم و مناسک دینی، ارتباط با خداوند و اولیاء دین، احترام به مقدسات و... قابل بررسی است. بررسی تمام این شاخص های ملی و مذهبی نیاز به مجال بسیار گسترده تری دارد و ما در این مقاله تنها به فهرست کوچکی از آن، به منظور به دست دادن نمونه، بسنده می کنیم.

شاخص های ملی و مذهبی فراوانی در این گونه افسانه ها یافت می شود که برخی، اعتقادات و باورها و آداب و رسوم باستانی ایران است و برخی نیز اعتقاداتی است که یا اسلامی بوده و یا در طول زمان رنگ و بوی اسلامی یافته اند و امروزه جزو باورهای دینی ما مسلمانان قرار دارند. این ویژگی ها چنان در هم آمیخته اند که گاه تفکیک مشخصه های دینی و ملی غیر ممکن به نظر می رسد و شاید همین در هم آمیختگی است که سبب این همه زیبایی شده است.

در زیر به برخی از این مشخصه ها اشاره می کنیم:

۱. نقش پررنگ خداوند؛

شاید بتوان اصلی ترین عنصر همه ی این افسانه ها را خداوند دانست. معمولاً در شروع این داستان ها با عبارت «یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود» به وجود و یگانگی خداوند اشاره می شود و بر سر قهرمانان مطابق اراده ی خداوند، ماجراهایی پیش می آید.

قبلاً به مذهبی بودن ایرانیان از آغاز تا کنون اشاره کردیم و گفتیم مردم ایران پادشاهی را می پذیرند که شاهی را از خداوند به امانت گرفته باشد. مثلاً داریوش می گوید: «اهورا مزدا و بغان دیگر مرا یاری کردند.»^۳ در داستان دختر گل بریز (ج ۵ ص ۳۵۳) توجه به خداپرستی و اهمیت خداوند بسیار چشمگیر است. هم چنین نقش خداوند را در

داستان دختری که از دهانش یاسمن و سوسن می ریخت (ج ۵ ص ۳۹۵) می توان دید که در آن دختر پادشاه همه ی دارایی پدرش را نعمت خداوند می داند.

در افسانه های ایرانی معمولاً نقش خداوند را در همه ی زمینه ها می توان دید؛ بدین جهت که این خداوند است که نعمت و توانایی خاصی را به یکی از بندگانش می بخشد، خیر را بر شر پیروز می گرداند، پاداش نیکوکار و جزای بدکار را می دهد و داستان را پیش می برد و به سرانجامی نیکو می رساند.

۲. اعتقاد به عالم غیب و نیروهای ماورایی و واسطه های زمین و آسمان؛

این موضوع در افسانه ها پیرامون اعتقاد به خداوند شکل می گیرد. موضوع خواب دیدن قهرمانان افسانه ای را می توان نوعی الهام از عالم بالا دانست که در باورهای اسلامی نیز به آن اشاره شده است. در منابع اسلامی ۴، اهمیت رویا دیدن و تعبیر خواب را می بینیم. و در باورهای شیعیان همین رویاها و الهامات غیبی باعث برپا شدن امامزاده ها و مساجد و انجام مناسک مذهبی دیگر می شود. در داستان دختر ابریشم کش (ج ۵ ص ۸۳) پادشاه خوابی می بیند که الهاماتی از غیب به او می رساند. هم چنین نقش پیامبر و امامان واسطه گری بین زمین و آسمان است و اعتقاد به حضرت خیر و ... را نیز در باورهای اسلامی ایرانیان می توان دید. در داستان گردن بند و کلاغ (ج ۱۲ ص ۱۱۳) سایه ای را می بینیم که فرستاده ای از عالم الهی به سوی انسان است و شخصیت درویش یا پیر فرزانه که در بسیاری از افسانه ها می بینیمنقشی مانند حضرت خضر و موقعیتی بین زمین و آسمان دارد. در داستان گل و سنبل (ج ۱۲ ص ۴۴۹) درویش سیبی به پادشاه می دهد و پادشاه با خوردن آن سیب شفا بخش، صاحب فرزند می شود. در داستان گل به صنوبر چه کرد (۱) (ج ۱۲ ص ۲۳۷) پیرمردی پر سیمرغ را به قهرمان داستان می دهد تا در زمان سختی آن را آتش بزند و ارز بلا رهایی یابد و در داستان گردن بند مروارید (ج ۱۲ ص ۱۰۹) پیرزنی فرزانه گره گشای مشکلات قهرمان داستان می شود.

۳. اعتقاد به دعا و نذر کردن و برآورده شدن آن؛

دعا کردن از دیرباز جزو مراسم مذهبی ایرانیان بوده است؛ داریوش در کتیبه ی معروف خود، چنین دعا می کند: ... و اهورامزدا مملکت مرا از هجوم دشمن و از محصول بد و از دروغ محفوظ دارند. ۵.

دعا کردن که از نقاط اوج الهی گری انسان است در همه ی ادیان دیده می شود و مسلمانان به دعا اهمیتی خاص داده اند. به خصوص در تشیع (که مذهب اکثر ایرانیان است) در سایه ی ادعیه ی ائمه ی اطهار به ویژه حضرت امام سجاد (ع)، توجه دقیق و پرننگی به دعا ابراز می دارد. بخش بزرگی از این عنصر ملی و مذهبی را می توان در افسانه ها جست؛ در داستان شاهرخ و نازیری (ج ۸ ص ۸۱) پیرزن فرزانه خواندن آیه ی بسم ... الرحمن الرحیم نصر من ... و فتح قریب را می آموزد، و شاهرخ با ذکر آن، به سلامت از دریا عبور می کند. در قصه ی دختر گازر (ج ۱۹ ص ۲۷۱) زن گازر دعا می کند که خداوند سوسکی را به جای فرزند به او ببخشد تا همدمش باشد و دعایش برآورده می شود در داستان عروسک سنگ صبور (ج ۹ ص ۱۵۰) قهرمان قصه چهل شب و روز دعا می خواند و سنجاق ها را از تن شاهزاده خارج می کند.

نذر کردن نیز در زندگی گذشته و حال ایرانیان اهمیت زیادی داشته و دارد. ایرانیان زرتشتی همواره به رسم نذر کردن و گستردن سفره های نذری اهمیت می داده اند. ۶ و این رسم در بین مسلمانان با بخشیدن مال یا وجهی به فرد فقیر یا بنای امامزاده و انجام نیکوکاری های دیگر، نقش بسیار گسترده ای دارد. قهرمان بسیاری از افسانه ها با نذر و نیاز والدینش متولد می شود مانند قهرمان داستان های بی بی نگار و میسس قبار (ج ۱ ص ۴۶۱) و عقاب جادو (ج ۹ ص ۲۱۷) نذری داستان پیر خارکش (ج ۲ ص ۳۲۱) نخود مشکل گشا است و در داستان دختر باغبان (ج ۵ ص ۱۴۹) دختر برای رسیدن به فرد مورد علاقه ی خود نذر می کند و به مرادش می رسد.

۴. اعتقاد به قدرت تقدیر و تسلیم در برابر اراده ی الهی؛

ایرانیان همواره معتقد به تقدیر الهی بوده اند مردم از شاهان اطاعت می کردند و معتقد بودند مشیت الهی است که آن افراد خاص بر کشور حکومت کنند و حتی گاه حمله ی دشمن را می پذیرفتند چرا که تصور می کردند تقدیر و سرنوشت چنین رقم خورده است. باید گفت که این تقدیرگرایی موجب جبرگرایی و دست کشیدن از تلاش نمی شود ولی انسان با پذیرفتن بسیاری واقعیت ها همان طور که هست، در شرایطی که کاری از کسی ساخته نباشد، آرامشی به دست می آورد و با توسل به نیروی الهی، امور را به خداوند واگذار می کند. در داستان عروسک سنگ صبور (ج ۹ ص ۱۵۰) صدایی از عالم غیب تقدیر فاطمه خانم را بر او آشکار می کند و در همین داستان، پدر و مادر دختر که در میانه ی راه دختر را پشت درهای بسته ی باغ می بینند به سرنوشت تن در می دهند و به سفر خود ادامه می دهند. در داستان عقوبت (ج ۹ ص ۲۵۵) بازی را پرواز می دهند تا مطابق تقدیر بر سر کسی فرود آید و آن شخص را داماد شاه گرداند. در داستان گل مرجان (ج ۱۲ ص ۴۲۷) دختر که تقدیر خود را ازدواج با مار می بیند به این تقدیر تن در می دهد و آن را می پذیرد. همچنین در داستان گلنار (ج ۱۲ ص ۴۳۶) پسران پادشاه هریک تیری رها می کنند تا تقدیر آن را به سمتی ببرد که آن ها باید تقدیر خود را در آن جا بیابند. در داستان دان انار (ج ۵ ص ۶۵) سرنوشت غم انگیز کسانی را که با تقدیر در افتاده اند می بینیم چنان که گریز از تقدیر با توسل به نیروهای نادرست، سرنوشتی هولناک تر را برای قهرمانان داستان رقم زده است.

۵. اعتقاد به پیروزی نهایی نیکی بر بدی و جزای نیک و بد در زندگی دنیایی؛

همان طور که اشاره شد، مطابق اعتقادات ایرانیان باستان، در مبارزه ی اهورا و اهریمن برنده ی نهایی اهورا مزدا است و در اسلام نیز همیشه حق بر باطل پیروز است و راستی بر جادویی چیره می شود. جادوگری در اسلام سخت نکوهش شده است و قهرمانان این افسانه ها در مقابل جادو، جادو نمی کنند بلکه جادو و طلسم را باطل و دیو و جادوگر را نابود می کنند. شخصیت نیک داستان هرچقدر هم بی چیز و بی یاور باشد، بر شخصیت قدرتمند و ثروتمند اما شرور داستان پیروز می شود و با پاداش نیکوکار و رسوایی و گاه جزا دیدن بدکار، مرهمی بر دل شنونده ی داستان

گذاشته می شود. پایان خوش این افسانه نیز که معمولاً با عبارات «و سال های سال با خوبی و خوشی در کنار یکدیگر زندگی کردند» و یا «همین طور که به مرادشان رسیدند شما هم به مرادتان برسید» و ... همراه است، بر پایه ی همین اعتقاد که سر انجام نیکی بر بدی پیروز می شود، بنا شده است. این موضوع در بیشتر افسانه ها و همچنین در این نمونه ها به چشم می خورد؛ گل خندان (۲) (ج ۱۲ ص ۳۱۵) طوطی (!) (ج ۹ ص ۶۳) طی لب طلا (ج ۹ ص ۶۹) گل به صنوبر چه کرد (!) (ج ۱۲ ص ۲۳۷)

۶. سخت کوشی و تاکید بر آن؛

یکی از بارزترین ویژگی های قهرمانان این افسانه ها تلاش سخت و طاقت فرسا است. رد پای سخت کوشی ایرانیان را می توان در ساخت بناهای گوناگون در دوران باستان، تالیف کتب و پیشرفت های علمی در دوران شکوفایی اسلامی، حفر قنات ها و استخراج معادن در حال و گذشته ی نه چندان دور، پایداری در دوران دفاع مقدس، دستاوردهای علمی و صنعتی امروزی و ... دنبال کرد. دین اسلام نیز همواره کار و تلاش را ستایش می مند و ائمه و بزرگان دینی ما هرگز از کارسخت رویگردان نبوده اند. ایرانیان در افسانه ها این ویژگی را به بهترین نحو ستوده اند. قهرمان داستان سنگ صبور (ج ۹ ص ۱۵۰) تا چهل روز بر سر نعش شاهزاده بیدار می ماند و از تن او سوزن و سنجاق را بیرون می کشد. در داستان عزیز در دانه (ج ۹ ص ۱۸۳) پسر انگشت خود را می برد و روی آن نمک می پاشد تا شب را بیدار بماند و دیو را پیدا کند. در داستان شهر مشکی پوش ها (ج ۸ ص ۵۵۷) قهرمان داستان برای دریافتن راز ناراحتی دوستش راه سفر در پیش می گیرد و تن به ماجراها و سختی های بسیار می دهد. در داستان هایی مثل درخت سیب (ج ۵ ص ۴۲۵)، عشق ریشه دار (ج ۹ ص ۱۹۹)، عشق زندگی (ج ۹ ص ۲۰۵) و ... قهرمان داستان برای رسیدن به معشوق دست به تلاش ها و سخت کوشی های بسیار می زند. این تلاش و کوشش فراوان معمولاً به نتیجه ای دلخواه می رسد و با یاری نیروهای الهی، قهرمان به مطلوب می رسد.

۷. ارزش صبر

در ضرب المثل ها و حکایات ایرانی و احادیث اسلامی به جایگاه صبر و ارزش صبوری اشاره فراوان شده است. داستان صبر ایوب در باورهای اسلامی نقشی پررنگ دارد و معمولا قهرمانان و افراد برگزیده و موفق کسانی هستند که که ارزش و مقام صبر را درک کرده اند و با سرلوحه قرار دادن این ارزش ها در کار خود به موقعیت دلخواه رسیده اند.

در داستان سنگ صبور (ج ۷ ص ۲۳۹) بارها و بارها با گویش ها و روایت های مختلف نقل شده است و صبر دختر قهرمان داستان ت یافتن زمان مناسب بازگویی حقایق وی را به موفقیت می رساند. در داستان گل مرجان (ج ۱۲ ص ۴۲۷) دختر به ازدواج با مار تن در می دهد و صبر پیشه می کند. در داستان دختران انار (ج ۵ ص ۱۰۰) دختر صب می کند و در موقع مناسب خود را به شاهزاده می نمایاند.

۸. اهمیت دادن به زن و شرح هنرمندی و توانایی ها و گاه برتری زن بر مرد؛

زن در ایران باستان از مقام و موقعیت نسبتا خوبی برخوردار بوده است و هرچند مدت ها است که جامعه ی ایرانی دوران مردسالاری را سپری می کند و گاه داستان ها نه بر اساس واقعیت بلکه به عنوان واکنشی نسبت به این طرز تفکر شکل گرفته اند، اما زنان ایرانی از دیرباز نسبت به همجنسان خود در بین دیگر جوامع، از مقام و موقعیتی مناسب برخوردار بوده اند. همچنین دین اسلام ارزش و مقامی خاص برای دختر و زن قایل شده است که در مقایسه با وضعیت زنان در زمان جاهلیت موقعیت بسیار درخشانی است.

این طرز تفکر در افسانه ها نیز نمود یافته است؛ در داستان شمعدان نقره شمعدان طلا (ج ۸ ص ۵۰۹) شاهدزیرکی دختر پادشاه هستیم و در داستان طی لب طلا (ج ۹ ص ۶۹) هنرمندی زن و پیروزی او را می بینیم که حتی در سخاوت و بخشندگی از مرد داستان که حاتم طایی است، پیشی گرفته است. در داستان عاقبت حلوا خوردن سه دختر خارکن (ج ۹ ص ۱۱۳) دختر کوچک خارکن به ماجراجویی می پردازد و در پایان پیروز می شود. در قصه پسر پادشاه و پری (ج ۱۰ ص ۱۶۶) دختر کوچک پادشاه شوهر غیرعادی خود را به راه می آورد. در قصه ی بلبل

سرگشته (ج ۱ ص ۲۳۹) خواهر دلسوز با مهربانی روح برادر را بیدار می کند تا از پدر و نا مادری بد جنس خود انتقام بگیرد. در داستان دختر عاقل پادشاه (ج ۵ ص ۳۲۵) اهمیت دختر و برتری او بر پدرش نشان داده شده است و هم چنین داستان گل بومادران (ج ۱۲ ص ۲۳۳) هنرمندی و کارآمدی زنی دانا را به تصویر می کشد.

نتیجه گیری

افسانه های عامیانه ی ایران آینه ی بسیاری از شاخص های هویت ملی و هویت دینی ما ایرانیان اند؛ بارزترین ایدئولوژی ایرانی (زردشتی) و اسلامی که همان مبارزه ی خیر و شر، خوبی و بدی، حق و باطل و نور و ظلمت است در افسانه های ایرانی دیده می شود. طبق این افسانه ها همان طور که ایرانیان اعتقاد داشتند روزی نیکی بر بدی چیره می شود و بر تمام جهان مسلط می شود و جهان برای همیشه غرق در خوبی می شود و طبق آموزه های اسلامی آمدن حق باطل را از بین می برد و پیروزی نهایی از آن حق است و شر محکوم به نابودی است، در افسانه های عامیانه ی ایران نیز سرانجام پس از کشمکش بسیار نیکی بر بدی پیروز می شود و جهان در صلح و آرامش فرو می رود و زمان به خوبی و خوشی سپری می شود.

در افسانه های عامیانه ی ایران رد پای بسیاری از ویژگی های ملی و مذهبی ایرانیان را می توان یافت. باورها و اعتقادات و آداب و رسوم باستانی به بهترین نحو با مناسک دینی در هم آمیخته اند و آداب و مراسم و باورهای دینی رنگ و بوی ملی گرفته اند.

در سرزمین افسانه ها جاپای بسیاری از باورهای ملی-مذهبی ما یافت می شود که از میان آن ها، اعتقا به خدا و عالم ماوراء و دعا و نذر، پذیرفتن تقدیر و مشیت الهی، ایمان به پیروزی نهایی حق بر باطل، تحسین و گرامیداشت سخت کوشی و صبر و اهمیت و احترام و مقام زن ، در این مقاله با ذکر شاهد مثال نشان داده شد.

منابع:

۱. دهخدا، لغت نامه، زیل واژه افسانه.
۲. درویشیان، علی اشرف و رضا خندان (مهآبادی)، فرهنگ افسانه های مردم ایران، انتشارات کتاب و فرهنگ، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۹
۳. ر.گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام؛ محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، تهران ۱۳۷۲، ص ۱۵۲
۴. قرآن کریم، سوره یوسف (ع)
۵. ر.گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام؛ محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷
۶. رمضانخانی، صدیقه، گنجینه ای از تاریخ و فرهنگ ایرانی (فرهنگ زردشتیان یزد)، نشر پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد، یزد، فصل باورها، ۱۳۸۶ (زیر چاپ)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.